

مقاومت در جهان اسلام ناشی از ظلم و بیدادگری غربی‌ها است

یک نویسنده آمریکایی معتقد است، مقاومت سازمان‌یافته‌ای که امروز در گوشه کنار جهان اسلام شاهد آن هستیم نه یک جنگ مذهبی بلکه عکس‌العمل طبیعی ملل تحت ستم در مواجهه با بیدادگری غربی‌ها است.



یک نویسنده آمریکایی معتقد است، مقاومت سازمان‌یافته‌ای که امروز در گوشه کنار جهان اسلام شاهد آن هستیم نه یک جنگ مذهبی بلکه عکس‌العمل طبیعی ملل تحت ستم در مواجهه با بیدادگری غربی‌ها است.

به گزارش فارس، "مارک گلن" (Mark Glenn) مفسر و نویسنده آمریکایی پایگاه اینترنتی "ربل نیوز" معتقد است، مقاومت سازمان‌یافته‌ای که امروز در گوشه کنار جهان اسلام شاهد آن هستیم نه یک جنگ مذهبی بلکه عکس‌العمل طبیعی ملل تحت ستم در مواجهه با بیدادگری غربی‌ها است. اما این در مغایرت با آن چیزی است که سیاستمداران و رسانه‌های غربی تبلیغ می‌کنند.

گلن در ابتدای مقاله با اشاره به واقعه 11 سپتامبر می‌نویسد: طبق نظر اکثریت آمریکایی‌ها "جنگ علیه تروریسم" در 11 سپتامبر 2001 زمانی آغاز شد که 19 مسلمان چهار هواپیمای مسافربری را رها کرده و آن‌ها را به مرکز تجارت جهانی، ساختمان پنتاگون و مکانی در پنسیلوانیا کوبیدند. سیاستمداران دولتی و رسانه‌های جمعی بدین داستان رسمی تا می‌توانند شاخ و برگ می‌دهند و در این بین همه ما از ردپاهای دیگری - اکثراً غیر مسلمان - که در این تراژدی دیده می‌شوند غافل می‌مانیم. حال بیایید فرض بگیریم این هواپیمارها چند مسلمان رادیکال بودند که می‌خواستند نمادهای آمریکا را نابود کرده و تلفات جانی زیادی بر مردم آمریکا وارد آورند. نویسنده بعد از این مقدمه به سراغ رویدادی مرتبط با یکی از کشته‌شدگان حملات 11 سپتامبر می‌رود تا مفهوم "مسلمان تروریست" و حواشی آن را مورد کندوکاو قرار دهد: "جیمز گادیل" (James Gadiel)، یکی از کسانی بود که در مرکز تجارت جهانی کشته شد. وی اهل شهر کنت (Kent) در ایالت کنتیکات بود و به همین سبب مسئولین شهر تصمیم گرفتند لوح یادبوی برای پاسداشت خاطره این جوان در یکی از میادین شهر نصب کنند. پدر وی اصرار داشت از عبارت "کشته شده توسط تروریست‌های مسلمان" در این لوح یادبود استفاده شود اما شورای شهر کنت این درخواست را رد نمود. "روث اپیستین" (Ruth Epstein)، یکی از اعضای شورا که رای منفی به درخواست داده بود، به درستی اظهار داشت که یک‌چنین عبارتی برای چهره شهر زیان‌آور بوده و می‌تواند احساسات ساکنان مسلمان شهر را جریحه‌دار کند.

مارک گلن در ادامه می‌افزاید: با این حال عبارت "کشته شده توسط تروریست‌های مسلمان" زیاد هم ناراحت کننده نیست زیرا این مفهوم در حقیقت یک کلیشه قدیمی است که از بس تکرار شده دیگر برای همه خسته کننده گشته است. "مسلمان تروریست" یک افسانه است، شخصیتی داستانی که در داستان ریاکارانه سیاستمداران و رسانه‌های غربی در مورد تروریسم ایفای نقش می‌کند. داستانی که قرار است برنامه‌های این سیاستمداران، منازعات سیاسی و ارضی آن‌ها، را در لفافه مذهب بیوشاند. بسیاری از این گروه‌ها و یا کشورها که به قول وزارت خارجه آمریکا "گروه‌های تروریستی" و یا "کشورهای حامی تروریست" خوانده می‌شوند در حقیقت تنها واکنشی سازمان یافته در مقابل ظلم و ستم هستند.

نویسنده آمریکایی مقاله به استانداردهای دوگانه مقامات آمریکا در مورد تروریسم اشاره کرده و می‌افزاید: "هیلا ری کلینتون"، در دیدار اخیرش از پاکستان، در سخنانی که در تالار شهرداری اسلام‌آباد ایراد کرد بمب‌گذاری‌های بازار اسلام‌آباد را به عنوان حملاتی تروریستی محکوم نمود، در حالیکه حملات هواپیمای بدون سرنشین آمریکا این‌گونه نیستند. حتی اگر این بمباران‌ها باعث کشتار مردم غیر نظامی و تخریب مدارس مذهبی این کشور شود، باز نمی‌توان آن‌ها را حملاتی تروریستی نامید.

مارک گلن در ادامه به مقاومت مسلمانان در برابر جور و ستم غربی‌ها می‌پردازد و آن را نه یک نبرد مذهبی بلکه واکنش طبیعی مردمی رنج‌دیده در برابر ستمگران قلمداد کرده و می‌نویسد: مسلمانان، در سراسر جهان، هیچ چاره‌ای ندارند جز اینکه در مقابل خیل انبوه بی‌عدالتی‌ها و ستم‌هایی که بر جوامع و نهادهایشان وارد می‌آید، مقاومتی سازمان یافته ترتیب دهند. انقلاب اسلامی ایران واکنشی بود به رژیم خونخوار شاه و همچنین نقش سازمان سیا در کودتایی که برای سقوط دولت منتخب مصدق و قدرت‌یابی مجدد شاه انجام گرفت.

جنبش ابوسیف در فیلیپین واکنشی بود به سیاست‌های دولت برای مهاجرت مسیحیان کاتولیک‌ها از شمال به میناندو، که انباشته از منابع طبیعی است. در نتیجه این اقدامات، جوامع فقیر مسلمان از سرزمین‌های خود بیرون شده و بیش از پیش به حاشیه رانده می‌شدند. تلاش ابوسیف برای تأسیس یک دولت مستقل در جنوب فیلیپین ناشی از بی‌عدالتی‌هایی است که در طول تاریخ بر مسلمانان این کشور روا شده، بی‌عدالتی‌هایی که با ورود استعمار اسپانیا و آمریکا آغاز گشت.

وی در ادامه می‌نویسد: اسرائیلی‌ها به جنگ در فلسطین نیز رنگ و بویی مذهبی داده‌اند، منازعه فلسطین و اسرائیل را نیز به ناحق جنگی مذهبی نامیده‌اند. جنگی که در یک سوی آن مسلمین و در طرف دیگر یهودیان قرار دارند. در حقیقت، صهیونیسم در آغاز جنبشی سکولار بود، بعدها دولتی بر فراز گورهای دسته‌جمعی دیر یاسین، الرملة، عکا و تعداد زیادی دهکده فلسطینی دیگر بنا نهاد. دهکده‌هایی که توسط گروه شبه‌نظامی ایرگون و ارتش اسرائیل که مورد حمایت غرب هستند، پاک‌سازی شدند. 61 سال از این فجایع می‌گذرد و امروز آمریکا - که بر مبنای برابری و آزادی مذهبی بنا گشته - تبدیل به بزرگ‌ترین شریک جرم رژیم شده که از مذهب برای توجیه کشتار مسلمانان و مسیحیان فلسطین استفاده می‌کند. امروز آوارگان فلسطینی بزرگ‌ترین جمعیت آواره جهان را تشکیل می‌دهند.

مارک گلن با اشاره به حملات اخیر صهیونیست‌ها به مسجد الاقصی و سکوت رژیم‌های عربی اسلامی در برابر این هتک حرمت

می‌افزاید: در هفته‌های اخیر مسجد الاقصی، سومین مکان مقدس مسلمانان، توسط پلیس اسرائیل محاصره شد. آن‌ها با گلوله‌های پلاستیکی و نارنجک‌های اشک‌آور به نمازگزاران داخل مسجد حمله نمودند. اگر ما واقعا در جهانی که شبکه "فاکس" و دیگر رسانه‌های غربی توصیف می‌کنند زندگی می‌نمودیم باید مسلمانان هر روز حملاتی شدید برای تلافی این بی‌حرمتی‌ها انجام می‌دادند. اما تنها مدافعین مسجد الاقصی تعدادی جوان هستند که با سنگ به جنگ اسرائیلی‌ها رفته‌اند. کشورهای اسلامی نیز، که اکثر رهبرانشان دست‌نشانده غربی‌ها هستند، سکوت اختیار کرده‌اند.

گلن در ادامه می‌نویسد: حمله به مسجد الاقصی آخرین حثک حرمت و ستمی است که بر مسلمانان وارد شده است. آن‌ها فجایع زیادی را تحمل کرده‌اند، از حمله اسرائیل به نوار غزه گرفته تا سوء رفتارهای تحقیرآمیز در زندان گوانتانامو، بگرام و جاهای دیگر. به گزارش هفته‌نامه "نیوز ویک" یکی از تاکتیک‌هایی که در عراق برای شکنجه زندانیان استفاده می‌شود پخش موسیقی‌های گوش‌خراش است. اغلب در این موسیقی‌ها عباراتی توهین‌آمیز و در تضاد با عقاید دینی مسلمانان بیان می‌گردد. نویسنده بعد از اشاره به موارد فوق که همگی خارج از آمریکا رخ داده‌اند به واقعه‌ای که اخیرا در داخل آمریکا روی داده نیز اشاره می‌کند تا میزان اسلام‌ستیزی دولت آمریکا را نشان دهد. وی در این خصوص می‌نویسد: اذیت و آزار مسلمانان تنها در آن سوی آب‌ها رخ نمی‌دهد. در 28 اکتبر، مأموران اف‌بی‌آی "لقمان امین عبدالله"، امام جمعه دیترویت را به ضرب گلوله از پای درآوردند. آن‌ها طی اقدامی وحشیانه برای دستگیری وی، یکی از سگ‌های پلیس را به سوی او رها کردند. عبدالله برای دفاع از خود به سوی سگ شلیک کرد و متعاقب آن مأمورین اف‌بی‌آی نیز به وی 18 بار شلیک کردند. عبدالله در همان جا جان داد. اما سگ پلیس با امداد هوایی به یک مرکز بهداشتی انتقال داده شد و در آنجا به علت جراحت وارده مرد. بنا بر گزارش اف‌بی‌آی، عبدالله در خرید و فروش "اموال سرقتی" دست داشته و وارد فعالیت‌های "ضددولتی" شده بود.

در ادامه این مقاله نویسنده به چرایی محکومیت وسیع و سریع تیراندازی فورت‌هود توسط برخی گروه‌های اسلامی پرداخته و می‌نویسد: هم‌اکنون که یک مسلمانان مرتکب عملی خشونت‌آمیز شده تمام گروه‌های عرب و مسلمان در محکوم کردن این حادثه از یکدیگر پیشی می‌گیرند. در سال 2007 زمانی که "سئونگ هوئی چو" 32 نفر را در دانشگاه فنی ویرجینیا به قتل رساند، کره‌ای‌ها چنین تعجیلی برای محکوم کردن از خود نشان ندادند. تفاوت در اینجا است که کره‌ای‌ها قربانی تبلیغات رسانه‌ها نشده‌اند و دین یا ملیت آن‌ها عامل جنایتکار قلمداد شدنشان نبوده است. اما وضعیت مسلمانان چنین نیست.

گلن در انتهای مقاله خود می‌نویسد: مدت زمان مدیدی است که سیاستمداران و رسانه‌های ما افکار عمومی بی‌سواد را به استثمار کشیده‌اند و همه مردم را دچار اسلام‌هراسی کرده‌اند، به گونه‌ای که همه می‌ترسیم روزی مسلمانان بر آمریکا چیره شوند و در این کشور حکومت خلیفه‌ای به راه اندازند. اما این فریب‌خوردگان می‌توانند در آسودگی به سر برند زیرا مسلمانان در سرتاسر جهان مشغول جنگی طاقت‌فرسا برای حفظ موجودیت‌شان هستند، جنگی که سال‌ها است از جانب غرب بر آن‌ها تحمیل شده است.